

نخستین روز بهار روز عدالت خورشید در جهان

«سپس فرمان داد ارا به از عاج و چوب ساج بسازند و گسترده‌ی دیبا بر آن بی‌افکنند. بر آن سوار شد و به اهریمنان فرمان داد که آن را به دوش کشند و میان آسمان و زمین برند. تا او را از دماوند در هوا یک‌روزه به بابل رسانند. این به روز اورمزد بود از فروردین ماه که نخستین روز بهار است و نخستین روز سال که زمانه جوان شود و زمین پس از آن که فرو مرده بود جان گیرد. مردم گفتند این روزی نو و عیدی سعید و نیرومندی چشمگیر و پادشاهی شگرف است. این روز را عید بزرگ شمردند و نوروز نام نهادند.» (تاریخ غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم تعالی)

نوروز یکی از جشن‌های آیینی ایرانیان است که همزمان با نخستین روز فروردین آغاز شده تا ششم این ماه ادامه دارد. این جشن از دیر باز تا کنون ادامه داشته است. نخستین روز فروردین ماه هر ساله علاوه بر این که زمین در گردش خود به دور خورشید از مدار اعتدال فروردین گذشته و برج حمل تحویل می‌شود روز خاص اهورمزدا خدای ایرانیان بوده است. بر اساس باور گذشتگان ما نخستین روز از فروردین، روز بازگشت فروهر مردگان به زمین است. ایرانیان کهن از بیست و پنجم سپندارمذ (اسفند) تا روز نخست فروردین آماده پذیرایی از این ارواح می‌شدند تا در نخستین روز سال جدید که طبیعت زندگی دوباره از سر می‌گیرد به زمین بیایند. برخی مورخان مانند «بناکتی» و «ابن بلخی» این روز را روز به سلطنت رسیدن جمشید و تاجگذاری او می‌دانند: «جمشید» در تحویل آفتاب به نقطه حمل بر تخت نشست و آن روز را نوروز نام نهادند.» (تاریخ بناکتی ص ۲۹)

«فردوسی»، شاعر ایرانی که در سوم هجری - شمسی می‌زیسته، نیز بر این باور است که در روز نخست فروردین، جمشید عدالت را در زمین گستراند و دست دیوان را از زمین کوتاه کرد و بر تخت نشست. فردوسی در این باره چنین سروده است: «جهان انجمن شد بر تخت او / شگفتی فروماند از بخت او / به جمشید بر گوهر افشاندند / مر آن روز را روز نو خواندند / چنین جشن فرخ از آن روزگار / بمانده از آن خسروان یادگار / ز رنج و زیدشان نبد آگهی / میان بسته دیوان بسان رهی /» (شاهنامه فردوسی)

اما بسیاری از مورخان چون طبری و مسعودی در کتاب‌های خود آورده‌اند که این روزی بود که جم‌گردونه‌ای ساخت و بر فراز ایران گذر کرد و به همین علت آن را روز نو





آیین‌های نوروزی هخامنشیان

در زمان جمشید جشن نوروز با چیدن هفت نماد بهاری میدان بزرگ میانه شهر برگزار می‌شد. یازده روز اول فروردین در دوران هخامنشیان، (فرورتیشن Farvartishn) ویژه انجام مراسم نوروز بود. شاهنشاه در نخستین روز سال نو روحانیون، بزرگان، مقامات دولتی و فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان و نمایندگان سرزمین‌های دیگر را می‌پذیرفت و ضمن سپاسگزاری از عنایات خداوند، گزارش کارهای سال کهنه و برنامه‌های دولت برای سال نو و نظر خویش را بیان می‌کرد که نصب العین قرار گیرد. این آیین هر سال با جزئی تفاوت رعایت می‌شود. رئیس کشور سپس پیشکش‌ها را دریافت می‌کرد. تصویری از این مراسم در کنده‌کاری‌های تخت جمشید دیده می‌شود. آنگاه مراسم سان و رژه برگزار می‌شد و افسرانی که قهرمان دفاع از وطن شده بودند، ترفیع و پاداش می‌گرفتند. همچنین مقامات تازه و قضات نو معرفی می‌شدند.

در روز نوروز، مردم نخست به دیدن سالخوردگان خانواده، بیماران و از کارافتادگان و قبور نیاکان و بزرگان می‌رفتند و ادای احترام می‌کردند. (همواره احترام و رعایت احوال سالخوردگان و نسل بازنشسته، در میان ایرانیان نهایت اهمیت را داشته است). سپس عیددیدنی آغاز می‌شد. پیش از دید و بازدیدها، در لحظه تحویل سال هر فرد از خدا می‌خواست در سال نو روان او را پاک و آرام نگه دارد.

دوری از دروغ، آرزوی داریوش

ادامه برگزاری آیین‌ها از زمان جمشید تا دوران داریوش مشخص نیست. سلام نوروزی یکی از مراسم مهم روز اول سال بود. در این روز پادشاه پس از انجام مراسم تحویل سال، بزرگان را به حضور می‌پذیرفت. این رسم گرچه از دوران جمشید به جای مانده بود اما در دوران پادشاهی داریوش که در گسترش آیین‌های نوروزی تلاش زیادی کرد به اوج خود رسید. مهمترین سندی که در انجام این مراسم وجود دارد در دیوار پلکان شرقی تخت جمشید تصویر شده است. داریوش در مراسم نوروز ۵۱۵ پیش از میلاد



نامیدند: «پس (جمشید) دستور داد گردونه‌ای از آبگینه بسازند و بر دوش شیاطین نهاد و بر آن نشست و در هوا از شهر خود به بابل رفت و آن روز هرمزد و نخستین روز از فروردین ماه بود. مردم از این شگفتی آن روز را نوروز نام نهادند و

جمشید دستور داده آن روز تا پنج روز پس از آن را عید گیرند.» طبری ج ۱ ص ۱۰۹

این جشن پس از دو نیمه شدن جمشید به دست ضحاک ماردوش به فراموشی سپرده شد. اما پس از روی کار آمدن آفریدون بنیانگذار کیانیان نوروز را به شیوه جمشید جشن گرفتند. بر اثر تلاش کیانیان نوروز ریشه گرفت و به همین دلیل به آن نوروز کیانی می‌گویند.

«کنون شاه در جام گیتی نمای / به پیش جهان آفرین شد به پای / چه مایه خروشید و کرد آفرین / به جشن کیان هرمزد فروردین» (شاهنامه فردوسی)

نخستین روز نوروز، روز عدالت

روز نخست فروردین روزی است که جمشید پس از چند سده جنگ با دیوان، زمین را از شر آنان پاک کرد و آن روز را عید شادی نهاد. در حبیب‌السیر آمده است: «در روزی که خسرو کوالب مواکب خورشید در درجه اول از حمل که بیت الشرف اوست نزول نمود، جمشید به احضار اکابر اشراف فرمان داد.» حبیب‌السیر ص ۱ ص ۱۷۸
میترائیسم‌ها نیز به دلیل همزمانی آیین داد در روز نخست فروردین و روزی که خورشید در اعتدال است آن روز را جشن می‌گرفتند.

هفت سال پس از آغاز فرمانروایی اش) تصمیم خود را در زمینه ایجاد سنگ نبشته بیستون _ حاوی آرزوها، اندرزها و شرح قلمرو ایران _ اعلام کرد. بزرگترین آرزوی داریوش که در این کتیبه آمده است، این است که خداوند ایران را از آفت دروغ و خشکسالی مصون بدارد. پس از تکمیل تخت جمشید در پارس و گشایش آن، آیین‌های رسمی نوروز، باشکوه بی‌مانندی در آنجا برگزار می‌شد. مراسم نخستین نوروز در تخت جمشید دو هفته طول می‌کشید. مردم عادی در تالار صد ستون و سران ایالات و مقامات تراز اول در تالارهای دیگر این کاخ حضور می‌یافتند.

نوروز، زمان جلوس پادشاه ساسانی

این مراسم پس از هخامنشیان بخصوص در دوران ساسانیان به شیوه گذشته برگزار می‌شد. اطلاعات زیادی از دوران اشکانیان وجود ندارد. اما در دوران ساسانیان آیین نوروز جمشیدی به شیوه جمشید و با در نظر گرفتن برخی تغییرات زمانی برگزار می‌شد. از چند روز پیش از آغاز سال نو شاه اعلام می‌کرد برای دادخواهی جلوس می‌کند. هرکسی دادی داشت در این روز عنوان می‌کرد و به آن رسیدگی می‌شد. «آیین ساسانیان در این ایام چنین بود که پادشاه بروز نوروز شروع و اعلام می‌کرد که برایشان جلوس کرده که به ایشان نیکی کند.» آثار الباقیه ص ۲۸۵

سلام نوروزی از یاد شاهان مسلمان نرفت

با ورود اسلام به ایران مردم این دیار با تطبیق برخی از آیین‌های ایرانی با اعیاد اسلامی نوروز را حفظ کردند. در سال ۱۵۹۷ میلادی شاه عباس صفوی آیین نوروز را در عمارت «نقش جهان» برگزار کرد و در نطق خود به این مناسبت اعلام داشت که اصفهان پایتخت همیشگی ایران خواهد بود و تصمیم دارد آن را به صورت زیباترین و امن‌ترین شهر جهان درآورد و به نمایندگان کشورهای خارجی که به شرکت در مراسم دعوت شده بودند اجازه داد که برای کشور خود در اصفهان سفارتخانه بسازند. شاه عباس، اول اکتبر ۱۵۸۸ میلادی، پادشاه کشور ایران شده بود. وی در رعایت اعیاد ملی و مذهبی شیعه دقت کامل به عمل می‌آورد.

نادر شاه به نوروز و آیین‌های آن علاقه‌مندی فراوان داشت. وی سکه خود موسوم به سکه نادری را در سال ۱۷۳۵ میلادی، در مراسم سلام نوروز رایج ساخت و قطعاتی از آن را به رسم عیدی به منشی‌ها و افسران خود داد که در یک طرف سکه نقش شده بود: «الخير فی ما وقع» و در طرف دیگر سکه این عبارت دیده می‌شد: «نادر ایران زمین». این عبارت نشان می‌دهد که نادر خواهان احیای امپراتوری ایران در چارچوب مرزهای عهد ساسانیان، اشکانیان و هخامنشیان بوده است. نادرشاه در سال ۱۷۳۹ در جریان لشکرکشی به هند، پس از شکست دادن ارتش ۳۶۰ هزار نفری این کشور و دریافت تاج شاه هند، برای ورود به دهلی منتظر فرارسیدن نوروز شد تا در روزی سعد به این آرزو برسد و روز ۲۰ مارس (نوروز) وارد دهلی شود و مراسم عید را در کاخ دهلی برگزار کند. کریم خان زند (وکیل مردم) پس از اعلام شهر شیراز به پایتختی ایران، از سال ۱۷۶۱ میلادی به بعد سلام نوروزی را در عمارت کلاه فرنگی نزدیک ارگ برگزار می‌کرد و سپس به دیدن مردم عادی (کوچه و خیابان) می‌رفت.

آقامحمدخان قاجار نیز روز اول «نوروز» را برای تاجگذاری اش تعیین کرد. وی در نوروز سال ۱۱۷۴ هجری شمسی (مارس ۱۷۹۵ میلادی) در تهران تاجگذاری کرد و این شهر را پایتخت قرار داد. در دوران سلطنت این سلسله روز اول فروردین روز سلام عام بود.